

# پژوهش‌های حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۲۷

هزار و سیصد و نود و چهار - تیرم سال اول

۵	• تنش میان مدیریت متقللهای و جهانی در پیشگیری و سرکوب اعمال غیرقانونی در دریاها چشمید مستز - مسود علیزاده - شهرام زر نشان
۲۱	• نظام حقوقی حاکم بر جانشینی تعهدات در ادغام شرکت‌های تجاری پیرام حسن‌زاده
۴۳	• تخصیص صلاحیت تفتیتی مجلس شورای اسلامی در نظم اساسی ایران چواد تقی‌زاده - فاطمه سمیعان
۶۳	• مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تفتیتی ایران با کنوانسیون مریدا در مبارزه با فساد مالی و تحولات آن محمد باقری کمارطیا
۹۳	• نظام نرم‌افزارهای متن باز سیدمحسن طلوع - جعفر نظام‌الملکی
۱۱۱	• مشروعیت توسل به زور در قبال دزدان دریایی سواحل سومالی زکبه تقی‌زاده
۱۶۵	• رویه حاکم بر حقوق استرداد مجرمین: مطالعه موردی: پرونده جولیان اسانژ فرید آزادبخت - مهدی ثنائی‌منش
۲۰۲	• ساختار و عملکرد دیوان افریقایی حقوق بشر سیدپاسر ضیایی - سائق جعفرزاده درلبی
۱۷۵	• حقوق روشن در دریای سیاه: انعطاف و قابلیت پیش‌بینی معیارهای تحدید حدود مرزهای دریایی در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد رومانی - آکراین (۲۰۰۹) چشمید مظاهری
۲۰۱	• یک جدال حقوقی تمام عیار: ایتالیا علیه دیوان بین‌المللی دادگستری فراز شهلائی





[http://jlr.sdil.ac.ir/article\\_32127.html](http://jlr.sdil.ac.ir/article_32127.html)

## ساختار و عملکرد دیوان آفریقایی حقوق بشر

سید یاسر ضیایی \*

صادق جعفرزاده درابی \*\*

### چکیده:

دغدغه اصلی مردم آفریقا به دلیل فقر، بیشتر تأکید بر حقوق نسل دوم بوده است، با این حال تأسیس دیوان حقوق بشر در سال ۲۰۰۶ در این قاره برای تضمین جمیع حقوق بشر گام مهمی بوده تا در کنار کمیسیون حقوق بشر آفریقا به ارتقای سطح کلیه حق‌های بشری کمک کند. این دادگاه از بدو تأسیس با مشکلاتی از قبیل کمبود منابع مالی، عدم رغبت کشورها به تصویب اساسنامه و محدودیت‌های صلاحیتی، مواجه بود. این چالش‌ها حتی بعد از لازم‌الاجرا شدن سند تأسیس این دیوان ادامه داشت و منجر به پیشنهاد ادغام دیوان حقوق بشر آفریقا با دیوان دادگستری آفریقا شد، در همین راستا پروتکلی تهیه شد که تاکنون لازم‌الاجرا نشده است. محدودیت‌های صلاحیت دیوان آفریقایی حقوق بشر در رسیدگی به شکایات اشخاص حقیقی و سازمان‌های غیردولتی موجب شده تا دیوان نتواند نقش قابل توجهی در تضمین حقوق بشر داشته باشد و پرونده‌های رسیدگی شده در آن اندک باشد.

### کلیدواژه‌ها:

دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم، کمیسیون آفریقایی حقوق بشر، اساسنامه دیوان حقوق بشر و مردم آفریقا، دیوان دادگستری و حقوق بشر آفریقا.

## مقدمه

دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم با امضای پروتکل الحاقی به منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم (از این به بعد اساسنامه) در سال ۱۹۹۸ با امضای ۳۰ کشور از ۵۳ کشور شرکت‌کننده به منصفه ظهور رسید. قبل از تشکیل دیوان، تفاوت بارز ساختار منطقه‌ای حقوق بشر آفریقا با اروپا و آمریکا در فقدان دیوانی بود که بتواند رأی لازم‌الاجرا صادر کند. تصمیم برای پُر کردن این خلأ پس از ۱۷ سال از تصویب منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم با تصویب اساسنامه مؤسس دیوان جدید یافت. نکته‌ای که از همه بیشتر در ایجاد و شکل‌گیری این سند به چشم می‌خورد، نقش بسیار برجسته سازمان‌های غیردولتی است؛ با این حال در مقدمه این سند نامی از آنها برده نشده است. به هر ترتیب صرف تأسیس چنین نهادی در حضور دولت‌های آفریقایی که عمدتاً نظامی خودکامه دارند، گامی بسیار مؤثر است. طبق اساسنامه مؤسس دیوان، صلاحیت این رکن تکمیلی است و دیوان به تکمیل رویه کمیسیون حقوق بشر آفریقا می‌پردازد. پرسشی که وجود دارد این است که آیا دیوان با توجه به اساسنامه خود قادر خواهد بود حقوق بشر را تضمین کند یا اینکه تأسیس این نهاد صرفاً نمایشی سیاسی در پاسخ به ایرادهای حقوق بشری به کشورهای آفریقایی بوده است و دیوان از سازوکارهای لازم برای اعاده حقوق بشر برخوردار نیست؟ برای این منظور ابتدا به ضرورت تأسیس دیوان با بررسی وضعیت کمیسیون آفریقایی حقوق بشر می‌پردازیم. در گام بعدی ساختار دیوان مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در ادامه، عملکرد دیوان با بررسی دو پرونده مورد توجه قرار خواهد گرفت که در دیوان رسیدگی شده است و در نهایت به رابطه دیوان آفریقایی حقوق بشر و دیوان دادگستری آفریقا اشاره خواهد شد.

## بخش اول - آسیب‌شناسی کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم

ماده ۳۰ منشور آفریقایی حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر و مردم را ایجاد کرده و طی ۳۴ ماده به مباحث صلاحیت، نحوه انتخاب کمیسرها، نحوه فعالیت و غیره در کمیسیون پرداخته است. بعد از تصویب مجمع سران اتحادیه در سال ۲۰۰۲، کمیسیون حقوق بشر به عنوان یکی از نهادهایی به رسمیت شناخته شد.<sup>۱</sup> که در چارچوب اتحادیه آفریقا عمل می‌کند. طبق منشور، اعضای این کمیسیون از میان معرفی شدگان اعضای منشور انتخاب خواهند شد، عضویت آنها شش ساله است، طبق صلاحیت شخصی خود عمل خواهند کرد و وظیفه آن ارتقای حقوق بشر و تضمین حمایت از آنها خواهد بود. ماده ۴۵ منشور مقرر می‌دارد: «در راستای وظیفه ارتقای حقوق بشر و مردم، کمیسیون باید به برگزاری کنفرانس‌ها، تهیه قواعد

1. Fatsah Ouguergouz, "the establishment of an African court of human and people's rights: a judicial premier for the African Union", African yearbook of international law, 2003, volume 11, 81.

و قواعد نمونه حقوق بشری، همکاری با دیگر نهادهای آفریقایی و بین‌المللی و تفسیر منشور پردازد.» بنابراین کمیسیون آفریقایی حقوق بشر در مقایسه با همتایان خود در قاره‌های اروپا و آمریکا، دارای صلاحیت گسترده‌تری مثل توسعه و ترویج حقوق بشر است. کمیسیون سه کارکرد اصلی دارد که عبارت‌اند از: ۱. بررسی گزارش‌های واصله از کشورها؛ ۲. رسیدگی به شکایاتی که مبین نقض حقوق است و ۳. تفسیر و شفاف‌سازی منشور آفریقایی حقوق بشر. وظیفه دوم در راستای کارکرد حمایتی کمیسیون است،<sup>۱</sup> در حالی که وظیفه اول و سوم در راستای توسعه حقوق بشر است.<sup>۲</sup>

با وجود تأکیدی که منشور نسبت به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته است، عمده شکایاتی که به کمیسیون واصل شده راجع به نقض حقوق مدنی و سیاسی است، هر چند که عموم این مکاتبات به دلیل عدم رعایت شروط شکلی از چرخه رسیدگی خارج شده‌اند. این واقعیت نشان از ضعف آفریقا در فراهم آوردن نیازهای اولیه مردم مثل حق حیات و عدم شکنجه دارد.<sup>۳</sup> در اینجا به برخی از آسیب‌هایی اشاره می‌شود که کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم در ایفای وظایف خود با آنها مواجه بود و ضرورت تشکیل نهادی جدید را ایجاب نمود:

**الف - ماهیت شبه قضایی کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم:** در کمیسیون «تصمیم قضایی» اتخاذ نمی‌شود و رسیدگی در کمیسیون تقریباً شبیه رویه شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل مبتنی بر قطعنامه ۱۵۰۳ است. قطعنامه مزبور به کمیسیون فرعی حقوق بشر اجازه داده است که شکایات واصله به دبیر کل سازمان ملل در زمینه حقوق بشر و نیز پاسخ‌های دولت‌ها را دریافت کند و یک گروه کاری مرکب از پنج نفر را برای بررسی تشکیل دهد تا گزارش خود را به کمیسیون فرعی اعطا کند. کمیسیون فرعی تصمیم می‌گیرد که آیا موضوع را به کمیسیون حقوق بشر<sup>۴</sup> ارجاع دهد یا خیر؟ این گزارش‌ها تا زمان تصمیم کمیسیون حقوق بشر محرمانه باقی می‌ماند. در کمیسیون آفریقایی حقوق بشر نیز محرمانه بودن گزارش وجود

۱. در این رابطه کمیسیون می‌تواند در خصوص مکاتباتی که با رعایت شرایط ماده ۵۶ انجام می‌گیرد، به بررسی و جمع‌آوری اطلاعات پردازد و نتیجه کار را در قالب گزارش صادر کند و آن را به مجمع سران کشورهای اتحادیه آفریقا و دولت‌ها ارسال نماید، همچنین می‌تواند طی آن، توصیه‌هایی که مناسب می‌داند به دولت مربوطه اعلام کند و در شرایطی اقدام به تحقیق و بعد از بررسی مجمع سران به انتشار یافته‌های خود مبادرت کند.

2. Makau Mutua, "the African human rights court: a two legged stool?" human rights quarterly, 1999, volume 21, 345&346.

۳. رضا اسلامی و یلدا بصیر، «بررسی برخی آرای کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها» مجله تحقیقات حقوقی ۵۰ (۱۳۸۸)، ۳۲۴.

۴. لازم به ذکر است این نهاد در سال ۲۰۰۶ جای خود را به شورای حقوق بشر داد که این رکن جدید از نظر سازمانی زیر نظر مجمع عمومی فعالیت می‌کند.

دارد. در واقع برای قابل انتشار شدن گزارش لازم است تا مجمع سران تصمیم بگیرد.<sup>۱</sup> علاوه بر این، غیرعلنی بودن رسیدگی نیز از دیگر شباهت‌ها و ویژگی‌های این دو نهاد شبه قضایی است.

**ب - فقدان ضمانت اجرا در کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم:** کشورهای عضو منشور آفریقایی حقوق بشر متعهد هستند هر دو سال یک بار از تاریخ لازم‌الاجرا شدن منشور، گزارشی متضمن اقدامات قانونی و اجرایی در زمینه حقوق بشر ارائه دهند، اما کمیسیون هیچ ابزاری برای الزام کشورها به ارائه گزارش ندارد و در عمل نیز کشورها به این تعهد خود به شکل گسترده عمل نکرده‌اند.<sup>۲</sup> برای مثال در سال ۲۰۰۹ فقط ۲۳ کشور به ارائه گزارش مبادرت کرده‌اند که در نتیجه کمیسیون شش کشور<sup>۳</sup> را ناقض منشور حقوق بشر و مردم قلمداد نمود.<sup>۴</sup> بسیاری از کشورها نیز هیچ‌گاه به تعهد خود مبنی بر ارائه گزارش اقدام نکرده‌اند و بسیاری دیگر نیز فقط یک بار گزارش خود را تقدیم کرده‌اند.<sup>۵</sup> این در حالی است که کمیسیون با تهیه اصول راهنما در رابطه با گزارش‌ها، عنوان کرده است که کشورها باید شکل و محتوای گزارش‌های خود را در راستای این راهنما آماده کنند و همان‌طور که باید به مقررات خود اشاره کنند، باید به اقدامات عملی خود در حمایت از حقوق بشر خود نیز اشاره داشته باشند.<sup>۶</sup>

**ج - عدم کفایت بودجه کمیسیون آفریقایی حقوق بشر:** اگرچه کمیسیون تلاش نمود تا از طریق تفسیر موسع مقررات منشور، استناد به رویه‌های سایر نهادهای بین‌المللی حمایت از حقوق بشر، حمایت بیشتری از حقوق مردم کند که در منشور درج گردیده، اما به نظر می‌رسد در این راه چندان موفق عمل نکرده است. از دلایل آن می‌توان به کمبود بودجه اشاره کرد که به طور مثال موجب کاهش روزهای جلسه و نشست‌های کمیسیون از سالی ۲۸ روز به ۲۰ روز شده است.<sup>۷</sup>

**د - ناکارآمدی در کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم:** کمیسیون حقوق بشر آفریقا به طور متوسط در هر سال ۲۰ پرونده داشته که نسبت به تعداد کشورهای عضو بسیار کم است.<sup>۸</sup> در حالی که کمیسیون اروپایی حقوق بشر فقط یک سال قبل از ادغام با دیوان حقوق

۱. حسین مهرپور، نظام بین‌المللی حقوق بشر (تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۸۳)، ۱۷۷.

۲. سیدقاسم زمانی، امیر ساعد وکیل و پوریا عسکری، نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر (تهران: شهر دانش، ۱۳۸۶)، ۲۲۲.

۳. آنگولا، کامرون، زیمبابوه، جمهوری دموکراتیک کنگو، نیجریه و ساحل عاج.

۴. Gina Bekker, "recent developments in the African human rights system 2008-09", Oxford human rights law review, 2009, No 9:4, 680.

۵. Jeremy Sarkin, "the African commission on human and people's rights and the African court of justice and human rights: comparative lessons from the European court of human rights", South African journal of international affairs, 2011, No 18(3), 284.

۶. Makau Mutua, op. cit., 345&346.

۷. زمانی و ...، پیشین، ۲۴۰.

۸. Julia Harington, "the African court on human and people's rights", the African charter on human and

بشر اروپا در سال ۱۹۹۷، ۴۷۵۰ پرونده را به ثبت رسانده بود. یکی از دلایل تفاوت این ارقام این است که کمیسره‌های آفریقایی به شکل پاره وقت فعالیت می‌کنند؛ در حالی که کمیسیون اروپایی در سال‌های پایانی فعالیت، کمیسره‌های خود را به شکل تمام وقت در اختیار داشت.<sup>۱</sup> **هـ - عدم رغبت دولت‌ها در رجوع به کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم:** با اینکه امکان شکایت کشورها نسبت به یکدیگر نزد مراجع شبه قضایی حقوق بشر مثل کمیسیون امریکایی و اروپایی حقوق بشر وجود دارد، کشورها نسبت به این امر رغبت نشان نداده‌اند. این امر حاکی از اصل نانوشتۀ عدم مداخله‌ای است که بین کشورها و بخصوص کشورهای آفریقایی وجود دارد. این موضوع تا آنجا پیش رفت که در سال ۱۹۸۸ دبیرکل سازمان وحدت آفریقا سلیم احمد سلیم عنوان کرد: «در رابطه با مسؤولیت ملی و بین‌المللی دولت‌ها، لازم است با آنها مشورت نماییم.»<sup>۲</sup>

بنابراین به دلایلی که مهم‌ترین آنها عدم کارایی و الزام‌آور نبودن تصمیمات کمیسیون بود، نیاز به ایجاد نهادی جدید احساس شد که بتواند تصمیمات الزام‌آور اتخاذ کند و نقشی مؤثرتر در زمینه حمایت از حقوق مندرج در منشور ایفا کند و این عوامل زمینه‌ساز تأسیس یک دادگاه حقوق بشری در آفریقا شد.

### بخش دوم - ارزیابی ساختار دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم

در سال ۱۹۹۸ پروتکل الحاقی به منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم مبنی بر تأسیس دادگاه آفریقایی حقوق بشر تصویب شد که در سال ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا شد. با این حال فکر تأسیس دیوان از سال ۱۹۶۱ در کنفرانس «حاکمیت قانون» شکل گرفت که به واسطه تلاش یک سازمان غیردولتی به نام کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان<sup>۳</sup> واقع در ژنو بود. این کنفرانس در شهر لاگوس<sup>۴</sup> نیجریه با حضور ۱۹۴ حقوقدان از ۲۳ کشور آفریقایی و نه کشور از دیگر قاره‌ها برگزار شد.<sup>۵</sup>

از سال ۱۹۹۳ تلاش‌هایی برای ایجاد دیوان رقم خورد و در این زمینه دو نظر ارائه شد: اول اینکه دیوان ایجاد گردد تا جایگزین کمیسیون شود و دوم حضور دیوان در کنار کمیسیون تا مکمل و تقویت‌کننده آن باشد. در نهایت نظر دوم مورد تأیید کشورها قرار گرفت و در مقدمه

people's rights the system of practice 1986-2000, 2002, 320.

1. Jeremy Sarkin, op. cit. 284.

2. ibid, 288.

3. International commission of jurists.

4. Lagos

5. Fatsah Ouguergouz, op. cit., 79.

اساسنامه به این موضوع اشاره گردید.<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۴ مجمع سران سازمان وحدت آفریقا قطعنامه شماره ۲۳۰ را صادر کرد که مجمع عمومی را الزام می‌کرد تا «کمیته متخصصان کشورها» را ایجاد کند تا با کمیسیون حقوق بشر برای ارتقای کیفیت و کارایی کمیسیون و به ویژه با در نظر گرفتن تأسیس یک دیوان حقوق بشری همکاری کند، اما کمیسیون نسبت به این موضوع رغبتی نشان نداد.<sup>۲</sup>

### بند اول - فراز و فرودهای شکل‌گیری دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم

عدم تأسیس دیوان در آفریقا دلایلی داشت که ریشه در مردم‌شناسی آفریقا دارد. دولت‌های آفریقایی علاقه‌مندند که معضلات نه به شکل تقابلی، بلکه به صورت مسالمت‌آمیز و کدخدا منشانه حل شوند و معتقدند برخلاف اروپا که یک نهاد حمایتی از حقوق فردی ایجاد کرده است، لازم است رکنی ایجاد شود که به حل مشکلات حقوق بشری به طور کلی کمک کند.<sup>۳</sup> پیش‌نویس اساسنامه ابتدا در سال ۱۹۹۳ به تقاضای کمیسیون بین‌المللی حقوق‌دانان از طرف کارل واساک<sup>۴</sup> تهیه شد. این سازمان غیردولتی بعدها در فرایند الحاق کشورها به اساسنامه نیز تلاش بسیاری از خود نشان داد. در سال ۱۹۹۳ جلسه کمیته متخصصان<sup>۵</sup> پیش از نشست چهاردهم کمیسیون آفریقا در آدیس‌آبابا پیش‌نویس دیگری تهیه کرد. در سال ۱۹۹۴ این پیش‌نویس دوباره مورد تجدیدنظر یک گروه حقوق‌دان در ژنو با همکاری دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گرفت.<sup>۶</sup> پیش‌نویس آماده شده در کیپ‌تاون که اولین نشست کارشناسان دولتی بود، در سال ۱۹۹۵ بین تمام کشورهای عضو پخش شد تا نظرهای تفسیری خود را ارائه دهند تا در جلسه شصت و پنجم سازمان مورد بررسی قرار گیرد، اما صرفاً سه کشور نظر خود را در جلسه ارائه دادند و در نتیجه تصمیم‌گیری به جلسه بعدی موکول شد. تا سال ۱۹۹۷ فقط ده کشور نظر خود را ارائه دادند که از این تعداد شش کشور به ماده شش اساسنامه ایراد گرفتند. طبق این ماده، اشخاص ثالث نیز حق اقامه دعوا علیه دولت‌های عضو را داشتند.<sup>۷</sup> محور اصلی انتقاد دولت‌ها حول مسأله «اهلیت اقامه دعوی»<sup>۸</sup> قرار داشت. عموماً

۱. زمانی و ...، پیشین، ۲۴۸.

۲. N Barney Pityana, "reflections on the African court on human and people's rights", African human rights law journal, 2004, volume 4, No 1, 122.

۳. Jeremy Sarkin, op. cit., 288.

۴. Karl Vasak

۵. این کمیته شامل گروهی از حقوق‌دانان و فعالان حقوق بشری بود.

۶. Julia Harington, op. cit., 308.

۷. این اقدام با عنوان اقدام از سوی عموم «Actio popularis» در حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود که مطابق آن هر یک از اعضای یک نظام می‌تواند با اینکه قربانی مستقیم نیست؛ اما به دلیل نفعی که از نظم موجود در نظام می‌برد و به دلیل نقض قاعده از سوی یکی از اعضای نظام بر هم خورده است موضوع را به دادگاه یا یک ارگان بین‌المللی ارجاع دهد.

۸. LOCUS STANDI

دولت‌های عضو سازمان بر این عقیده بودند که اهلیت اقامه دعوا تا حد ممکن محدود شود. به طور مثال نماینده مجمع‌الجزایر موریس<sup>۱</sup> بیان نمود: «ما مایل هستیم که صلاحیت دیوان به دعوی سازمان‌های غیردولتی و اشخاص متبوع دولت خوانده محدود شود تا کشورها از سیل دادخواست سازمان‌های بین‌المللی در امان بمانند.» همچنین نماینده کشور بوركینافاسو معتقد بود که لازم است «تمام دعوی قبل از دیوان به کمیسیون ارجاع داده شود.» برخی از کشورها نیز مانند سیرالئون اعلام کردند نسبت به ماده شش حق شرط اعمال خواهند کرد. این اعتراض‌ها باعث شد که سازمان پیش‌نویس موجود را کنار بگذارد و تصمیم به تشکیل دومین کمیته متخصصان دولتی بگیرد.<sup>۲</sup>

ناظر بودن سازمان‌های غیردولتی در کمیسیون، لزوم اقامه اولیه دعوا در کمیسیون و لزوم صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان برای رسیدگی به دعوی اشخاص و سازمان‌های غیردولتی به پیش‌نویس اضافه شد و در نهایت پیش‌نویس با یک اجماع تأیید شد. با این حال کشورها با رغبت در جلسات شرکت نمی‌کردند و فقط ۳۶ درصد از دولت‌های عضو نمایندگان خود را برای نشست فرستادند.<sup>۳</sup> همچنین جدی بودن، سیستماتیک بودن و گستردگی نقض از شروط رسیدگی دیوان، حذف شد.<sup>۴</sup> سرانجام در سال ۱۹۹۸ پیش‌نویس نهایی شد و به امضای دولت‌های عضو رسید.<sup>۵</sup> آنچه که قابل توجه است این است که در طول نشست‌های سه‌گانه هیچ اعتراض منسجمی به نفس شکل‌گیری دیوان انجام نگرفت.<sup>۶</sup> وجود ضعف در کارایی کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم از مقدمه اساسنامه دیوان نیز مشخص است، آنجا که بیان می‌دارد: «حصول اهداف منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم مستلزم تأسیس دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم برای تکمیل و تحکیم وظیفه کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم است.»<sup>۷</sup>

### بند دوم - ارزیابی قواعد اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم

ضمن اشاره به برخی قواعد اساسنامه دیوان به مقایسه آنها با قواعد سایر نهادهای حمایت از حقوق بشر اشاره می‌رود:

### الف - صلاحیت ترافیعی در دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم: صلاحیت دیوان طی

1. Mauritius

2. Julia Harington, op. cit. 309-310.

3. ibid, 312.

۴. این شروط در پیش‌نویس تقدیمی از سوی موریتانی مطرح شده بود.

5. Harington, op. cit. 313.

6. ibid, 314.

7. Preamble of protocol on the statute of the African court of justice and human rights.



مواد ۳ و ۴ مورد اشاره قرار گرفته است، طبق ماده ۳ به دیوان صلاحیت ترافیعی و طبق ماده ۴ صلاحیت مشورتی اعطا شده است. بند ۲ ماده ۳ به اصل کلی و قابل قبول تمام نظام‌های حقوقی یعنی «اصل صلاحیت در صلاحیت»<sup>۱</sup> اشاره شده است. ماده ۵ و ۳۴ اساسنامه دیوان عنوان می‌کنند: «صلاحیت ترافیعی دیوان با شکایت کمیسیون، دولت عضو شاکای یا مشتکی عنه در کمیسیون، دولتی که یکی از اتباع آن متضرر از نقض قواعد حقوق بشری است، سازمان‌های بین دولتی آفریقا، سازمان‌های غیردولتی با توجه به ناظر بودن آنها نزد کمیسیون و اشخاص خصوصی در صورتی ایجاد خواهد شد که کشور متبوع آنها اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان نسبت به رسیدگی شکایات افراد و سازمان‌های غیردولتی را صادر کرده باشد.»

این موارد در پیش‌نویس اساسنامه دیوان بیشترین گفتگوها را به خود اختصاص داد و در نهایت اعطای وضعیت ناظر بودن سازمان‌های غیردولتی در نزد کمیسیون و صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت شکایات اشخاص با اصرار برخی کشورها به ویژه نیجریه و سودان به متن اساسنامه اضافه شد. این در حالی است که دیوان اروپایی حقوق بشر مطابق با ماده ۳۴ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی سال ۱۹۵۰ می‌تواند شکایات اشخاص ذی‌نفع و سازمان‌های غیردولتی قربانی را دریافت کند. در مقابل، وضعیت دیوان امریکایی حقوق بشر از یک وضعیت بینابین برخوردار است. این دیوان می‌تواند به پرونده‌هایی رسیدگی کند که از سوی کمیسیون امریکایی حقوق بشر یا یکی از اعضا واصل می‌شوند و افراد و سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در کمیسیون امریکایی علیه کشورهای عضو اقامه شکایت کنند.

اعلامیه پذیرش رسیدگی به شکایات واصله از اشخاص تا سال ۲۰۱۱ فقط از طرف پنج کشور صادر شده است که کشورهای بورکینافاسو، مالاوی، مالی، تانزانیا و غنا به ترتیب آن را صادر کرده‌اند. جایگاه اشخاص خصوصی در رجوع به دیوان متناقض‌نما است، چراکه امکان دسترسی بی‌قید و شرط دولت‌ها از یک سو و محدودیت اشخاص در مراجعه به دادگاه از سوی دیگر با مقتضای معاهدات بین‌المللی حقوق بشر که حمایت از این‌بشر است در تعارض است؛ همچنین این محدودیت با هدف بین‌المللی کردن و توسعه سیستم منطقه‌ای حقوق بشر برای ایجاد یک حمایت فراملی از اشخاص تعارض دارد.<sup>۲</sup>

تجربه نشان می‌دهد که در دیوان امریکایی و اروپایی حقوق بشر، کشورها علاقه‌ای به شکایت از یکدیگر نداشته و این مسأله در قاره آفریقا نیز که حاکمیت از حساسیت

1. Competence on competence.

2. Dan Juma, "access to the African court on human and people's rights: a case of the poacher turned gamekeeper? Essex human rights review, 2007, Volume 4, No 2, 3.

خاصی برخوردار است؛ به شکل برجسته‌تری وجود دارد، زیرا در طول فعالیت کمیسیون هیچ شکایتی از طرف کشورها اقامه نشده است؛ اما این به آن معنی نیست که اشخاص و سازمان‌های غیردولتی نتوانند به هیچ ترتیب به دیوان مراجعه کنند، زیرا کمیسیون می‌تواند با ارجاع پرونده به دیوان تقاضای رسیدگی به آن را کند، اما این امر یک توانایی غیرمستقیم برای اشخاص و سازمان‌های غیردولتی است و مستلزم صرف زمان است، در حالی که برخی از نقض‌های حقوق بشری نیاز به واکنش سریع دارد. در رابطه با این گونه ارجاعات باید گفت که دیوان در مرحله رسیدگی به شکایات الزامی ندارد که به توصیه‌ها و گزارش‌های کمیسیون پای‌بند باشد، ولی اهمیت این گزارش‌ها بر کسی پوشیده نیست و به دلیل محدودیت امکانات دیوان در جمع‌آوری ادله، این گزارش‌ها به طور قطع بر رسیدگی دیوان تأثیر خواهد داشت. در نتیجه می‌توان گفت گزارش‌های غیرالزامی کمیسیون از این طریق تبدیل به اسنادی الزامی می‌شود.

**ب - صلاحیت مشورتی در دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم:** حل و فصل اختلافات، فقط کارکرد نهادهای حقوق بشری نیست، بلکه این نهادها می‌توانند وظیفه تفسیر و شفاف‌سازی معاهدات را به انجام برسانند و از این طریق، دولت‌ها و نهادهای ملی مانند محاکم ملی را در اجرای قواعد بین‌المللی راهنمایی کنند. این همان رسالتی است که برای انجام آن صلاحیت مشورتی به نهادهای حقوق بشری اعطا می‌شود. با اینکه به دلیل الزام‌آور نبودن نظرهای مشورتی، وزن اندکی نسبت به آرای ترافعی دارند، اما از جهاتی دارای ارزش مضاعفی هستند:

نخست اینکه دادگاه‌ها در این موارد موظف نیستند که به موارد خاصی از یافته‌ها و جزئیات حقوقی مقید باشند؛

دوم آنکه فقط برای طرفین متنازع فیہ کاربرد ندارند، بلکه می‌تواند به صورت عام مورد استفاده قرار گیرد؛

سوم اینکه نظرهای مشورتی، کمتر با موضع‌گیری مواجه می‌شوند، چون کشورها در آنها در مقام متهم قرار نمی‌گیرند.<sup>۱</sup>

ماده ۴ امکان ارائه نظر مشورتی را در رابطه با منشور و دیگر اسناد حقوق بشری آفریقایی می‌دهد؛ یعنی با اینکه اساسنامه دیوان به منشور ضمیمه شده است، ولی صلاحیت موضوعی آن در نظر مشورتی به منشور محدود نمی‌گردد. تنها محدودیتی که در ارائه نظر مشورتی دیوان وجود دارد این است که نظر مشورتی نباید راجع به موضوعی باشد که کمیسیون در

1. AP Vander Mei, "the advisory jurisdiction of the African court on human and people's rights", African human rights law journal, 2005, volume 5, No 1, 30.

رابطه با آن شروع به رسیدگی کرده است. این مقرر را می‌توان به سه شکل تفسیر کرد:

۱. کمیسیون یک رکن عالی نسبت به دیوان است، پس دیوان حق ندارد چنین صلاحیتی را نسبت به موضوعی اعمال کند که در کمیسیون مفتوح است.
۲. نظر مشورتی که ممکن است دیوان در چنین مواردی صادر کند، می‌تواند بر تصمیم‌گیری کمیسیون تأثیر بگذارد و از اتخاذ تصمیم بی‌طرفانه کمیسیون جلوگیری کند.
۳. هدف منتفی شدن احتمال تناقض است، به این معنی که نظر دیوان و کمیسیون با یکدیگر متعارض نباشد.

دیوان می‌تواند با درخواست یک دولت عضو اتحادیه آفریقا، ارکان آن سازمان یا هر سازمان دیگر آفریقایی که از طرف اتحادیه آفریقا شناسایی شده باشد، به صدور نظرهای مشورتی بپردازد. در این رابطه وضعیت دیوان آفریقایی حقوق بشر با همتای امریکایی خود شباهت بیشتری دارد، زیرا در هر دوی آنها کشورها می‌توانند درخواست صدور نظر مشورتی کنند. در کنار دولت‌ها برخی از ارکان سازمان دولت‌های امریکایی نیز می‌توانند صدور چنین نظرهایی را از دادگاه حقوق بشر امریکا به عمل آورند. در مقابل، دیوان اروپایی حقوق بشر مطابق با ماده ۴۷ کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اروپا، فقط می‌تواند با تقاضای کمیته وزیران شورای اروپا، نظر مشورتی صادر کند. بنابراین برخلاف صلاحیت توافقی که دیوان آفریقایی از وضعیت محدودتری نسبت به دو همتای اروپایی و امریکایی خود برخوردار است، در صلاحیت مشورتی از جایگاه مطلوب‌تر و موسع‌تری بهره‌مند است.

**ج - صلاحیت موضوعی در دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم:** طبق ماده ۷ اساسنامه، دیوان آفریقایی حقوق بشر برخلاف کمیسیون آفریقایی، دیوان اروپایی و دیوان امریکایی حقوق بشر می‌تواند دولت‌های آفریقایی را به علت نقض اسناد جهانی، منطقه‌ای یا منطقه‌ای فرعی<sup>۱</sup> که به تصویب رسانده‌اند، محکوم نماید. این برداشت از تفسیر موسع این ماده به دست می‌آید. در مقابل، تفسیر دیگری نیز وجود دارد که معتقد است باید این ماده را در پرتو بند ۱ ماده ۳ اساسنامه<sup>۲</sup> تفسیر کرد و صرفاً معاهدات حقوق بشری آفریقا را شامل می‌شود و نه هر سندی مثل میثاق‌ها. پس دیوان فقط می‌تواند منشور آفریقایی، منشور آفریقایی حقوق کودکان و ... را اعمال کند.<sup>۳</sup> طبق تفسیر کارکردگرایانه که منطبق با اهداف و فلسفه تأسیس دیوان که تضمین بیشتر حقوق بشر است، تفسیر موسع قابل قبول به نظر می‌رسد.

۱. این اسناد به معاهداتی اشاره دارند که برخی از سازمان‌های زیر منطقه‌ای در رابطه با حقوق بشر تصویب می‌کنند و مبتنی بر آن فقط در بخشی از قاره آفریقا و تنها در میان کشورهای آن منطقه لازم‌الاجراست.

۲. ماده ۳ بند ۱: «صلاحیت دیوان شامل تمام قضایا و اختلافاتی است که راجع به تفسیر و اجرای منشور، پروتکل حاضر و هر کنوانسیون حقوق بشر آفریقایی دیگری که به آن ارجاع شود.»

۳. زمانی و ...، پیشین، ۲۵۲-۲۵۳.

البته نکته‌ای که در این بخش از لحاظ حقوقی باید مورد توجه قرار گیرد این است که اگر طرفین دعوی در دیوان دو کشور باشند لازم است که هر دوی آنها، معاهده مورد نظر را تصویب کرده باشند.<sup>۱</sup>

در رابطه با قلمرویی که می‌توان در رابطه با آن درخواست نظر مشورتی کرد وضعیت دیوان آفریقایی حقوق بشر با دیوان امریکایی شباهت بیشتری دارد. ماده ۶۴ کنوانسیون سن خوزه بیان می‌دارد که کشورها می‌توانند در رابطه با معاهدات حقوق بشری که در میان دولت‌های امریکایی وجود دارد درخواست نظر مشورتی کنند؛ در حالی که مطابق با ماده ۴۷ کنوانسیون روم، دیوان اروپایی حقوق بشر فقط در حوزه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های آن می‌تواند نظر مشورتی بدهد. به علاوه دیوان نباید در ماهیت حقوق و آزادی‌های مطروح در کنوانسیون وارد شود.<sup>۲</sup>

د - نسبت کمیسیون و دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم: سیستم‌های دوگانه که با در کنار هم قرار گرفتن ارکان شبه قضایی و قضایی ایجاد می‌شود، چند چالش اساسی دارند که عبارت‌اند از:

۱. موازی کاری؛

۲. ائتلاف منابع؛

۳. طولانی شدن فرایند نتیجه‌گیری؛

۴. اختلاف در سلسله مراتب سازمانی؛

۵. فرار دولت‌ها از مسؤولیت با ایجاد تغییرات سازمانی.<sup>۳</sup>

انجام وظیفه کمیسیون و دیوان در کنار یکدیگر این شبهه را ایجاد می‌کند که نقش دیوان نسبت به نقش کمیسیون جنبه تکمیلی دارد.<sup>۴</sup> ماده ۲ اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر اشاره می‌کند که وظیفه دیوان تکمیل وظیفه حمایتی کمیسیون است. با توجه به اینکه صلاحیت دیوان برخلاف کمیسیون حقوق بشر آفریقا صرفاً به دعاوی محدود نمی‌شود که ناشی از تفسیر و اجرای منشور آفریقایی حقوق بشر است، نمی‌توان گفت که صلاحیت دیوان

1. Fatsah Ouguergouz, op. cit., 105.

2. See Julie Calidonio Schmid, Advisory Opinions on Human Rights: Moving Beyond A Pyrrhic victory, Duke Journal Of Comparative & International Law, Vol 16, 2006, 416.

3. Solomon T. Ebovrah, "towards a positive application of complementarity in the African human rights system: issues of functions and relations", the European journal of international law, 2011, volume 22, No 3, 665

۴. طبق اصل صلاحیت تکمیلی در صورتی صلاحیت ایجاد می‌شود که نهاد دیگر وارد رسیدگی نشده باشد. See Rod Rastan, Complementarity: Contest or Collaboration? In Complementarity and the Exercise of Universal Jurisdiction for Core International Crimes, Morten Bergsmo, 2010, 124.

نسبت به صلاحیت کمیسیون تکمیلی است.<sup>۱</sup> پس این ماده چیزی بیش از مقدمه‌ای برای اساسنامه نیست و اشاره صریحی به تکمیلی بودن وظیفه دیوان ندارد.

بنا به عقیده برخی، نظام آفریقایی حقوق بشر مانند سیستم امریکایی لازم می‌داند که کلیه پرونده‌ها پیش از دیوان در کمیسیون مورد بررسی قرار گیرد.<sup>۲</sup> در این راستا عنوان می‌کنند که پرونده‌های ارجاعی از سوی کمیسیون می‌تواند دو حالت داشته باشد:

۱. پرونده‌هایی که یک نقض جدی و گسترده در آنها صورت گرفته باشد

۲. پرونده‌هایی که شاکی آنها بخواهد پرونده به دیوان ارجاع شود.

در این فرض دیوان یک جایگاه تجدیدنظری خواهد داشت و می‌تواند بدون توجه به یافته‌های کمیسیون به طور مستقل تصمیم بگیرد؛ اما این استدلال از جهاتی ایراد دارد؛ زیرا نقض شدید و گسترده معنای معینی ندارد و این مسأله می‌تواند موجب اختلاف در تفسیر شود، از طرف دیگر رویه دیوان این استدلال را تأیید نمی‌کند، چون که دیوان در پرونده‌هایی که حکم به عدم صلاحیت صادر کرده است؛ هیچ اشاره‌ای به این امر نکرده است که به دلیل عدم رسیدگی کمیسیون به عدم صلاحیت حکم داده است؛ بلکه عدم صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان در رسیدگی به دعاوی اشخاص و سازمان‌های غیردولتی را مستند رأی خود قرار داده است. این استدلال به این معنی است که اگر چنین اعلامیه‌ای صادر می‌شد دیوان به پرونده رسیدگی می‌کرد. از طرف دیگر دولت‌ها نیز در استدلال‌های خود در راستای عدم صلاحیت دیوان به این موضوع اشاره‌ای نداشته‌اند که کمیسیون مقدمتاً به موضوع رسیدگی نکرده است.

گفته می‌شود که در پیش‌نویس‌های قبلی اساسنامه برای طرح دعوا در دیوان لازم بود تا دعوا ابتدا در کمیسیون اقامه شود که بعدها این مقرر حذف شد. با حذف این مقرر این نظر تأیید شد که دولت‌ها خواسته‌اند یک صلاحیت اولیه به دیوان اعطا کنند. با این حال ماده شش اساسنامه اشاره می‌کند که دیوان می‌تواند پرونده را به کمیسیون ارجاع دهد. از این ماده می‌توان چند گونه برداشت کرد:

۱. این ماده از اختیار صحبت می‌کند و نه اجبار، پس اگر پرونده‌ای به شکل مستقیم به

دیوان ارجاع شود، تسلیم آن به کمیسیون با نظر خود دیوان است.

۲. اگر قرار بر این بوده که پرونده ابتدا در کمیسیون رسیدگی شود چه لزومی داشته که این ماده به این شکل تنظیم شود. در هر صورت ارجاع پرونده از دیوان به کمیسیون می‌تواند منجر به طولانی شدن فرایند رسیدگی شود و عدم قطعیت از قابلیت استماع دیوان را به

1. Fatsah Ouguergouz, op. cit, 106.

2. Harington, op. cit, 322.

دنبال داشته باشد، چراکه طرف‌های دعوا نمی‌توانند پیش‌بینی کنند چه زمانی خود دیوان به پرونده رسیدگی خواهد کرد و چه زمان موضوع را به کمیسیون ارجاع خواهد داد.<sup>۱</sup> از آنجا که کمیسیون نمی‌تواند تصمیم الزام‌آور اتخاذ کند در حالی که تصمیم دیوان دارای قدرت الزامی است، این ماده چند پرسش را باقی می‌گذارد:

نخست اینکه آیا در این موارد کمیسیون جایگزین دیوان است و می‌تواند تصمیم الزام‌آور اتخاذ کند؟

و دوم آنکه آیا این ارجاع پرونده به کمیسیون صرفاً برای تحقیقات مقدماتی است؟ پاسخ به پرسش اول منفی است، زیرا که صدور تصمیمات الزام‌آور از صلاحیت کمیسیون خارج است؛ اما در خصوص پرسش دوم شاید بهترین توجیه این باشد که دیوان با سابقه کم خود بتواند از این راهکار استفاده کند تا بهترین تصمیم را اتخاذ کند.

باید توجه داشت که طبق بند ۶ ماده ۲۹ آیین دادرسی دیوان<sup>۲</sup> که راجع به ارتباط دیوان و کمیسیون است: «اگر پرونده‌ای که دیوان می‌خواهد رسیدگی کند قبلاً در کمیسیون مطرح شده است، دیوان باید اطمینان حاصل کند که پرونده در کمیسیون کنار گذاشته شده است و در حال بررسی نیست». این موضوع ارتباطی به صلاحیت تکمیلی دیوان ندارد، بلکه به موضوع اعتبار امر مختوم بها اشاره دارد. در هر صورت نقش کمیسیون بر کار دیوان تأثیرگذار است، زیرا کمیسیون می‌تواند بنا به تقاضای طرف یا طرفین دعوی یا با توجه به نظر خود، پرونده را به دیوان ارجاع دهد و دادگاه می‌تواند از نظر کمیسیون استفاده کند و دولت را متهم کند و به این ترتیب برای اشخاصی که نمی‌توانند مستقیم به دیوان مراجعه کنند، عدالت را به شکل غیرمستقیم برقرار کند.<sup>۳</sup>

در نتیجه صلاحیت تکمیلی دیوان نسبت به کمیسیون به معنای آنچه نیست که در حقوق کیفری بین‌المللی مرسوم است؛ بلکه منظور از آن، در سیستم حقوق بشر آفریقایی فقط تشریح ارتباط دیوان و کمیسیون و دیگر ارکان نظارتی حقوق بشری غیرقضایی در آفریقا است. این موضوع از فلسفه تأسیس دیوان که همانا ارتقای عملکرد کمیسیون بوده است و در مقدمه اساسنامه دیوان و ماده دو آن بیان شده به دست می‌آید. در واقع قصد کشورها بر این بوده که از این طریق به حقوق مندرج در کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر تضمینی اعطا شود.<sup>۴</sup>

1. July Oder, "the African court on human and people's rights order in respect of the situation in Libya: a watershed in the regional protection of human rights?" African human rights law journal, 2011, volume 11, No 2, 502.

2. rules of court, done at Arusha united republic of Tanzania, second day of June 2010.

3. APVander Mei, op. cit., 29&30.

4. Solomon T. Eboerah, op.cit. , 671&672.

**ه - آیین رسیدگی در دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم:** مطابق بند ۴ ماده ۱۵ اساسنامه، دیوان یک دادگاه دائمی نیست و فقط رییس دیوان است که به شکل دائمی در مرکز دیوان حضور دارد. آیین دادرسی نیز در بند ۱ ماده ۱۴ بیان می‌کند که دیوان در سال باید چهار بار جلسه عادی برگزار کند که دستکم ۱۵ روز به طول انجامد. به علاوه دیوان می‌تواند جلسه فوق‌العاده داشته باشد. این در حالی است که اصولاً نهادهای قضایی نه به طور از پیش تعیین شده، بلکه بنا به شکایات واصله تشکیل جلسه می‌دهند. یکی از موارد تضمین حقوق طرفین درگیر در رسیدگی قضایی، اصل علنی بودن محاکمه است. امری که در رسیدگی‌های کمیسیون وجود نداشته است و رسیدگی‌ها به شکل مخفی انجام می‌گیرد که با ذات شبه قضایی بودن رسیدگی آن تا حدی قابل دفاع است. البته کمیسیون در گزارش‌های سالانه خود با انتشار خلاصه پرونده‌ها این اصل را تا حدی منعطف نموده‌اند.

بند ۲ ماده ۱۰ اساسنامه به حق داشتن نماینده و وکیل در جلسه رسیدگی اشاره می‌کند و برای تضمین هر چه بیشتر و بهتر حقوق اشخاص از معاضدت قضایی صحبت می‌کند. این مقرر با ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی شباهت دارد که در آن دسترسی به عدالت از طریق نمایندگی مجانی مطرح شده است، اما احتمالاً هدف این ماده ایجاد این امکان برای شاکیان است و نه دولت‌ها. با اینکه این نمایندگی در مرحله استماع مورد اشاره قرار گرفته است؛ ولی به شکل منطقی برای اینکه نمایندگی به شکل صحیح اجرا شود، نماینده باید قبل از استماع نیز وارد عمل شود.<sup>۱</sup> ماده ۲۴ راجع به محتوای آرای دیوان است و اشاره می‌کند دیوان قادر است دستور به ترتیبات مناسب برای جبران نقض حقوق بشر و پرداخت خسارت و صدور تدابیر موقت صادر نماید. این ماده در واقع گامی برای رفع نقص کمیسیون در دستور نسبت به پرداخت خسارات وارده به اشخاص است.

بند یک ماده ۲۸ اساسنامه بیان می‌کند که دیوان باید ۹۰ روز بعد از پایان «بررسی»<sup>۲</sup> خود به صدور حکم مبادرت کند. از آن جهت که ملاک تشخیص آخرین بررسی دشوار است به نظر می‌رسد منظور از آن آخرین «جلسه دادرسی»<sup>۳</sup> باشد. این مقرر از آن جهت بوده که در کمیسیون بعضاً بین آخرین جلسه تا اتخاذ تصمیم سال‌ها زمان صرف می‌شد.<sup>۴</sup>

**و - ضمانت اجرای تصمیمات دیوان:** ماده ۳۰ اظهار می‌دارد که دولت‌های عضو اساسنامه، اجرای حکم را تضمین می‌نمایند، اما اینکه در صورت عدم اجرای حکم دیوان چه ضمانت

1. Julia Harington, op. cit, 324.

2. Deliberation

3. Hearing

4. Harington, op. cit, 325

اجرایی وجود خواهد داشت، در اساسنامه سخنی به میان نیامده است. ماده ۲۹ بند ۲ اعلام می‌کند که شورای وزیران باید از طریق مجمع عمومی اتحادیه بر اجرای احکام نظارت کند و ماده ۳۱ بیان می‌کند دیوان باید در گزارش سالانه خود در صورت عدم اجرای حکم آن را به مجمع گوشزد کند. به اعتقاد برخی سند تأسیس اتحادیه آفریقا در ماده ۲۳ به مجمع عمومی این قدرت را اعطا کرده است که بتواند به تحمیل مجازات‌های اقتصادی و سیاسی بر کشورهای عضو اقدام نماید<sup>۱</sup> که از رعایت تصمیمات ارکان مختلف اتحادیه از جمله دیوان امتناع می‌کنند<sup>۲</sup> باید توجه داشت که دیوان حقوق بشر آفریقا از ارکان اتحادیه آفریقا نیست،<sup>۳</sup> بلکه ماده ۲۳ معاهده مؤسس اتحادیه از این باب نسبت به احکام دیوان و اجرای آن تسری می‌یابد که مطابق ماده ۲۹ اساسنامه دیوان، حکم دیوان باید به شورای وزیران ابلاغ گردد و این نهاد باید از طریق مجمع بر اجرای آن نظارت کند و در راستای تصمیمی که مجمع می‌گیرد و با عدم اجرا همراه می‌شود، علیه دولت متهم از اجرای رأی دیوان، مجازات در نظر گیرد.

#### بخش سوم - ارتباط دیوان آفریقایی حقوق بشر و دیوان دادگستری آفریقا

برای کاهش ارکان سازمانی در سطح قاره آفریقا به دلیل مشکلات مالی عقیده بر این بود که دیوان حقوق بشر به عنوان یک اتاق در دیوان دادگستری آفریقا عمل کند. دیوان دادگستری آفریقا مطابق معاهده مؤسس اتحادیه آفریقا رکن قضایی اتحادیه است. در واقع دیوان دادگستری صلاحیت تفسیر منشور را به عهده دارد که شامل مقررات حقوق بشری نیز می‌شود. ولی ادغام مورد اتفاق کشورها نبود و در نهایت تصمیم بر ابقای هر دو رکن در کنار یکدیگر شد. با این حال در رابطه با مسائل مالی، آفریقایی‌ها نگران کمک‌هایی بودند که از طرف کشورهای خارج از آفریقا به ویژه اروپاییان به نهادهای حقوق بشری از جمله دیوان آفریقایی صورت می‌گرفت. به این دلیل تلاش برای ایجاد یک پیش‌نویس جدید که هر دو دیوان را در خود جای دهد نشستی به سرپرستی محمد بجاوی که از طرف اتحادیه

۱. زمانی و ...، پیشین، ۲۶۱.

۲. ماده ۲۳ بند ۲: «هر یک از دول عضو که از اجرای سیاست‌ها و تصمیمات اتحادیه خودداری کند، ممکن است در معرض تحریم‌هایی همچون قطع حمل‌ونقل و خطوط ارتباطی با دیگر دولت‌های عضو و دیگر اقدامات سیاسی - اقتصادی قرار بگیرد که به وسیله مجمع تعیین شده است.»

۳. با اینکه یک دست ارتباطات خاص از جمله تعیین بودجه دیوان به وسیله اتحادیه و تقدیم گزارش سالانه دیوان به اتحادیه میان این دو نهاد برقرار است؛ اما مطابق ماده ۵ اساسنامه اتحادیه آفریقا که ارکان اتحادیه را نام برده است، ذکری از دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم به میان نیامده است. سند تعیین‌کننده ارتباط دیوان و کمیته دائمی نمایندگان اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۱۲، عنوان می‌کند دیوان یک رکن خاصی در چارچوب اتحادیه آفریقا است. برای اطلاعات بیشتر نک: سند ارتباط دیوان آفریقایی حقوق بشر و کمیته دائمی نمایندگان اتحادیه آفریقا را در:



تعیین شد، در الجزایر آغاز گردید.<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۶ پیش‌نویسی تهیه شد که دیوانی عام با ۱۶ قاضی را پیش‌بینی می‌کرد.<sup>۲</sup> با توجه به ماده ۱۶ اساسنامه جدید که در سال ۲۰۰۸ به تصویب رسید، دیوان جدید دارای دو بخش است: «۱. بخش امور عمومی با ۸ قاضی؛ ۲. بخش حقوق بشر با ۸ قاضی.»

پیش‌نویس تهیه شده برای دیوان جدید نشان از پیشرفت‌های مناسبی برای حمایت از حقوق بشر بود. هر چند در ماده ۳۱ پیش‌نویس صدور اعلامیه صلاحیت برای رجوع به دیوان از جانب اشخاص خصوصی ضروری تشخیص داده نشد<sup>۳</sup> اما در بند ۶ ماده ۳۰ سند نهایی اعلام گردید: «رجوع سازمان‌های غیردولتی و اشخاص به دیوان با توجه به ماده ۸ اساسنامه صورت خواهد پذیرفت.» بند ۳ ماده ۸ اساسنامه همان رویکردی را پذیرفته است که سند مؤسس دیوان آفریقایی حقوق بشر در پیش گرفته بود. طبق این ماده دولت‌های عضو می‌توانند در زمان الحاق، تصویب و یا هر زمان دیگری که لازم بدانند اعلامیه پذیرش صلاحیت دیوان را صادر کنند.

دیوان جدید که با عنوان «دیوان آفریقایی دادگستری و حقوق بشر آفریقا» تأسیس خواهد شد تغییرات مهمی در ساختار اتحادیه آفریقا ایجاد خواهد کرد. ماده ۲ اساسنامه این دیوان اعلام می‌دارد: این دیوان رکن اصلی قضایی اتحادیه است. این نکته چند مزیت دارد که عبارتند از:

۱. تبدیل کردن مباحث حقوق بشری از وضعیت فرعی به اصلی؛
  ۲. تبدیل منشور حقوق بشر آفریقا به یک سند اساسی اتحادیه؛
  ۳. راحت‌تر شدن اجرای تصمیمات دادگاه؛
  ۴. جلوگیری از همپوشانی صلاحیت دیوان حقوق بشر و دیوان دادگستری آفریقا با ایجاد شعبه ویژه یا تشکیل جلسه با تمام اعضا در دادگاه جدید.<sup>۴</sup>
- ادغام دو دادگاه مزایایی خواهد داشت که می‌توان به ارتباط آن با دیگر ارکان معاهداتی اتحادیه آفریقا مثل کمیته متخصصان حقوق کودک اشاره کرد. از دیگر مزایای متمرکز شدن حمایت‌ها از قبیل منابع انسانی، خدمات اطلاعاتی و منابع ساختاری و فیزیکی نهادهای حقوق بشری و جلوگیری از همپوشانی صلاحیت دیوان حقوق بشر و دیوان دادگستری آفریقا است.<sup>۵</sup>

پرسش اساسی این است که مجمع اتحادیه چگونه می‌تواند این دو اساسنامه را اصلاح کرده و رکنی جدید ایجاد کند. در حالی که هر یک از این اسناد دارای شرایط خاصی برای

1. Assembly/AU/Des. 83(v), 2005.

2. Ibrahim Kane and, Ahmed C. Motala, op. cit., 406.

3. Ibid, 430.

4. Dan Juma, op. cit., 9.

5. Juma, Ibid., 7-8.

اصلاح هستند. شروط این دو سند نشان می‌دهد که دولت‌های عضو یا خود دیوان است که می‌تواند اصلاح در اسناد مؤسس را تقاضا کنند. طبق ماده ۴۰ معاهده وین اگر در خود معاهده روشی برای اصلاح در نظر گرفته شود، باید همان رویه طی شود. البته کشورهای که در نشست سال ۲۰۰۴ مجمع اتحادیه آفریقا شرکت کرده بودند، با تصمیم به ادغام دو دیوان حقوق بشر و دادگستری، به گونه‌ی ضمنی نسبت به تعویق افتادن فعالیت دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم رضایت داده بودند. آیا می‌توان همین حضور کشورها را در مجمع، درخواست ضمنی برای اصلاح اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم و دیوان دادگستری آفریقا تلقی نمود؟

مجمع سران بالاترین رکن اتحادیه است و می‌تواند به تغییر در ساختار و اشتغال و فعالیت‌های ارکان و مؤسسات تخصصی اتحادیه اقدام کند و اتخاذ تصمیمات آن جز در موارد آیین‌نامه‌ای با اکثریت دو سوم است.<sup>۱</sup>

نخست اینکه دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم نهادی خارج از اتحادیه آفریقا محسوب می‌شود که در حوزه صلاحیت مجمع سران نیست و

دوم آنکه ماده ۳۲ اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم و ماده ۴۶ اساسنامه دیوان دادگستری، اعطای درخواست کتبی از سوی یک دولت را پیش شرط اصلاح اساسنامه عنوان کرده است در حالی که نقطه آغازین این اصلاح اعلام نگرانی رییس مجمع<sup>۲</sup> بوده است. به هر صورت طبق آخرین آمار فقط سه کشور سند جدید را به تصویب رسانده‌اند که عبارتند از: لیبی، بوركینافاسو و مالی.<sup>۳</sup>

#### بند چهارم - موانع لازم الاجرا شدن اساسنامه دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم

طبق آخرین آمار، اتحادیه آفریقا دارای ۵۳ عضو است که از این تعداد، ۵۱ کشور اساسنامه دیوان را امضا کرده‌اند و فقط ۲۶ کشور آن را تصویب کرده‌اند. آخرین دولتی که در سال ۲۰۰۵ اساسنامه را به تصویب رساند دولت موریتانی است.<sup>۴</sup> با اینکه اساسنامه از لحاظ حقوقی در سال ۲۰۰۴ با فراهم آمدن شروط مورد نیاز لازم‌الاجرا شد؛ اما تأسیس دیوان تا سال ۲۰۰۶ به طول انجامید. در این سال بود که با انتخاب ۱۱ قاضی از طرف شورای اجرایی<sup>۵</sup> و

۱. ابراهیم بیگزاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی (تهران: مجد، ۱۳۸۹)، ۷۸۶-۷۸۷.

2. Olusegun Obasanjo

3. List of countries which have signed, ratified/acceded to the protocol on the statute of the African court of justice and human rights 27/1/2011, available at: [www.african-union/documents.org](http://www.african-union/documents.org)

4. [www.african-union.org](http://www.african-union.org)

5. Doc.EX.CL/241 (viii), 2006.

اولین قضات این دیوان عبارتند از: سوفیا آکوفو از غنا، جورج کانیمبا از اوگاندا، برنارد ماکگابو از آفریقای جنوبی، جین امیلی سومدا از بوركینافاسو، حیدر فرج فانوش از لیبی، الحاجی گوویس از سنگال، کلو جاستینا از لسوتو، فتساح اوگرگز از الجزایر، مودیو توتی از مالی که نایب رییس بود، جین موتسینزی از رواندا، جرارد نیونگ کو از بروندي که رییس دیوان بود.

تأیید مجمع اتحادیه آفریقا<sup>۱</sup> طی مذاکراتی با کشور تانزانیا، این کشور قبول کرد تا امکاناتی را برای دیوان فراهم آورد. با اینکه هنوز معاهده مقرر به امضا نرسیده بود، در این سال با تعیین بودجه ۲/۲۵ میلیون دلاری دیوان رسماً فعالیت خود را شروع کرد. در سال ۲۰۰۷ در معاهده مقرر که بین تانزانیا و اتحادیه منعقد شد،<sup>۲</sup> امکاناتی برای دیوان در نظر گرفته شد.<sup>۳</sup> ماده ۴ معاهده مقرر دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم عنوان می‌کند: «کنوانسیون ۱۹۶۱ وین راجع به روابط دیپلماتیک و کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های منعقد شده بین سازمان وحدت آفریقا و دولت‌های عضو با کمی تغییر در رابطه با دیوان اعمال خواهد شد و قضات، دفتردار، کارمندان و دیگر مستخدمین دیوان از این مزایا و مصونیت‌ها برخوردار خواهند بود».<sup>۴</sup>

### الف - ادغام دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم و دیوان دادگستری آفریقا:

علت تأخیر تأسیس دیوان به مدت دو سال این بود که در سال ۲۰۰۴ تلاش‌هایی انجام گرفت که دیوان دادگستری آفریقا با دیوان آفریقایی حقوق بشر ترکیب شوند و یک دیوان با صلاحیت گسترده‌تر به وجود آید. بعد از جانشینی اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۰۲ به جای سازمان وحدت آفریقا، کشورها رغبتی به تصویب اساسنامه مؤسس دیوان آفریقایی حقوق بشر نداشتند. مشخص نبودن ارتباط این دیوان و دیوان دادگستری آفریقا موجب نگرانی در رابطه با حوزه صلاحیت مشترک دو دیوان و چگونگی دسترسی به آنها شده بود. در واقع مفهوم تأسیس یک نهاد قضایی فراسرزمینی به شکل عام در میان دولت‌های آفریقایی مورد پذیرش قرار نگرفته است.<sup>۵</sup>

**ب - مشکلات مالی:** یکی از علل تصمیم به ادغام، مشکلات مالی بود که برای حل آن در دهمین نشست عادی شورای اجرایی اتحادیه آفریقا در سال ۲۰۰۷ تصمیم بر این شد که کمیسیون اتحادیه آفریقا، ارکان حقوق بشری را در زمره نهادهایی قرار دهد که می‌توانند از صندوق کمک‌های داوطلبانه کمک بگیرند. به این ترتیب دیوان نیز از این منبع مالی بهره‌مند خواهد شد. این عامل همچنان نگرانی‌ها را راجع به تأثیرگذاری بر نحوه تصمیم‌گیری دیوان و نقض بی‌طرفی باقی گذاشته است.

### ج - عدم معرفی نامزدهای تصدی امر قضا: علت دیگر تاخیر، توصیه‌های شورای

1. Assembly /AU/Dec. 100(vi), 2006.

2. Host agreement between the government of the united republic of Tanzania and the African union on the seat of the African court on human and people's rights in Arusha Tanzania, august 2007, done at Adiss Ababa.

3. Ibrahima Kane and Ahmed C. Motala, "the creation of a new African court of justice and human rights", the African charter on human and people's rights the system of practice 1986-2006, 2008, 407

4. Host agreement between the government of the united republic of Tanzania and the African union on the seat of the African court on human and people's rights in Arusha Tanzania, 2007, article iv.

۵. این دیوان که مطابق با اساسنامه اتحادیه آفریقا بنیان گذاشته شد، رکن قضایی اتحادیه است.

6. N BarneyPityana, op. cit., 123&124

اجرایی برای به تعویق انداختن انتخاب قضات دیوان به دلیل عدم استقبال کشورها در معرفی نامزدها بود؛ در آوریل ۲۰۰۴ که این شورا از کشورها خواست تا نامزدهای تصدی سمت قضاوت دیوان را معرفی کنند، صرفاً نه کشور به این امر مبادرت کردند.

### نتیجه‌گیری

آنچه برای تأسیس یک سازمان بین‌المللی دارای اهمیت است اراده و خواست سیاسی دولت‌هاست که تحت تأثیر عوامل متعددی است. فشار اذهان عمومی یکی از این مؤلفه‌هاست که توانسته در قاره آفریقا با تحریک اراده سیاسی کشورها تصویب سند مؤسس دیوان را پایه‌گذاری کند. کشورها با گنجاندن مقرراتی که صلاحیت دیوان را محدود می‌کند، تحمل هزینه‌های ناشی از کارکرد دیوان در شکل کنونی خود را بر هزینه‌هایی ترجیح داده‌اند که ممکن است از صدور احکام الزام‌آوری باشد که حاکمیت کشورها را به خطر اندازد. این اقدام، با هدف تأمین نظر مدافعان حقوق بشر به شکل محدود و در واقع ضمانتی برای بقای دولت‌ها صورت پذیرفته است. این موضوع باعث شده است که فرصت ایجاد رویه قضایی از سوی دیوان با اقامه دعاوی واهی از بین برود که با صدور حکم عدم صلاحیت مختومه می‌شوند بدون اینکه کمکی به ارتقای حقوق بشر کنند. از سال ۲۰۰۸ تا به حال ۲۳ پرونده در دیوان اقامه شده که از این بین فقط ۱۳ پرونده مختومه شده است. علاوه بر این پرونده‌ها تا به حال سه درخواست نظر مشورتی نیز در دیوان به ثبت رسیده است.<sup>۱</sup>

باید منتظر ماند تا کشورها با صدور پذیرش اعلامیه صلاحیت دیوان در رسیدگی به دعاوی اشخاص و سازمان‌های غیردولتی به ارتقای حقوق بشر کمک کنند. این مسأله در واقع از ماهیت حقوق بشر ناشی می‌شود، زیرا دولت‌ها که خود ناقض حقوق بشر هستند به پذیرش محتوای مقررات حقوق بشری می‌پردازند. در نتیجه مشارکت کمیسیون در اجرای عدالت با ارجاع پرونده به دیوان دارای اهمیت فراوانی است. به همین دلیل ارتباطاتی میان دیوان و کمیسیون وجود دارد هر چند عملکرد کمیسیون متأثر از سوگیری‌های سیاسی است. هر چند تأسیس دیوان آفریقایی حقوق بشر با آرا و مشارکتی شکننده همراه بود، اما در هر صورت نفس شکل‌گیری دیوان می‌تواند گامی مثبت در جهت احقاق حقوق مردم آفریقا تلقی شود. این بی‌رغبتی کشورهای آفریقایی موجب محدود شدن صلاحیت ترافی این دیوان نسبت به هم‌تایان امریکایی و اروپایی‌اش شده است هر چند اساسنامه دیوان مجال بیشتری برای ارائه نظر مشورتی به دیوان داده است. چنانچه روند لازم‌الاجرا شدن ادغام دو دیوان دادگستری آفریقا و دیوان آفریقایی حقوق بشر و مردم مطلوب باشد در آینده‌ای

1. Report Of The African Court On Human And Peoples' Rights (Afchpr), 2012, Executive Council, Twentieth Ordinary Session, Addis Ababa, ETHIOPIA, 23 – 27 January 2012  
Available at <http://www.african-court.org/en/images/documents/Court/Activity%20Reports/AfCH-PR%20Report%202011%20English.pdf>

نزدیک شاهد شکل‌گیری دیوان آفریقایی دادگستری و حقوق بشر آفریقا خواهیم بود که می‌تواند مزایایی را نسبت به دیوان آفریقایی حقوق بشر فعلی داشته باشد.

#### منابع فارسی

۱. اسلامی، رضا و یلدا بصیر. «بررسی برخی آرای کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها» مجله تحقیقات حقوقی ۵۰ (۱۳۸۸)، ۳۲۴.
۲. بیگ‌زاده، ابراهیم. حقوق سازمان‌های بین‌المللی. تهران: مجد، ۱۳۸۹.
۳. زمانی، سیدقاسم، امیر ساعد وکیل و پوریا عسکری. نهادها و سازو کارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر. تهران: شهردانش، ۱۳۸۶.
۴. مهرپور حسین. نظام بین‌المللی حقوق بشر. تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۸۳.

#### منابع لاتین

1. Bekker, Gina. *recent developments in the African human rights system 2008-2009*, Oxford human rights law review, 2009.
2. Juma, Dan, *access to the African court on human and people's rights: a case of the poacher turned gamekeeper?* Essex human rights review, 2007.
3. Mei, AP Vander. *the advisory jurisdiction of the African court on human and people's rights*, African human rights law journal, 2005.
4. Mutua, Makau. *the African human rights court: a two legged stool?* human rights quarterly, 1999.
5. Oder, July. *the African court on human and people's rights order in respect of the situation in Libya: a watershed in the regional protection of human rights?* African human rights law journal, 2011.
6. Pityana, N Barney. *reflections on the African court on human and people's rights*, African human rights law journal, 2004..
7. Sarkin, Jeremy. *the African commission on human and people's rights and the African court of justice and human rights: comparative lessons from the European court of human rights*, South African journal of international affairs, 2011.

## Structure and Efficiency of African Court on Human and People's Rights

**Seyed Yaser Ziaee**  
**Sadegh Jafarzadeh Darabi**

### **Abstract:**

Because of poverty, the main problem of African people is focusing on second generis of human rights. However constitution of African Court on Human and People's Rights in 2006 besides African human rights commission could improve promotion of all human rights in Africa Continent. There were some problems from outset of constitution of the Court like financial sources, reluctance of States for approving the Constitution and some restrictions in jurisdiction of the court. These problems caused to a suggestion for merging of the Court and African court of justice. So a protocol has been signed but it's not obliging yet. Restrictions in the Court for compulsory proceeding to claims of African citizens and NGO's caused to low efficiency of Court for preserving human rights and low quantity of cases which have been proceeded.

### **Keywords:**

African commission on human rights, African human rights court, protocol on establishment of human rights court of Africa, African court of justice and human rights.

# Journal of LEGAL RESEARCH

**VOL. XIV, No. 1**

**2015-1**

- **Tension between Zonal and Global management in prevention and repression of criminal acts in sea**  
Djamchid Momtaz - Massoud Alizadeh - Shahram Zarneshan
- **Legal system governed on succeed obligation for merging Trade Companies**  
Bahram Hasanzadeh
- **Allocati on of legislative jurisdiction of Parliament in the constitu-tional order of Iran**  
Javad Taghizadeh - Fatemeh Samieyan
- **A Comparative Study of Iran's Criminal Legislative Policy With UNCAC in the field of Financial Anti-corruption and its Evolutions**  
Mohammad Bagheri Komar Olia
- **Open source software system**  
Seyed Mohsen Tolou - Jafar Nezamolmelli
- **The legitimacy of using force against Pirates off the coast of Somalia**  
Zakieh Taghizadeh
- **The procedure in extradition law with insist on Julian Assange's cases**  
FaridAzadbakht - Mehdi TavanaeManesh
- **Structure and Efficiency of African Court on Human and People's Rights**  
Seyed Yaser Ziaee -Sadegh Jafarzadeh Darabi
- **Bright Law in the Black Sea: Flexibility and Predictability of Maritime Delimitations Criteria in the ICJ's Decision on Romania/Ukrain (2009)**  
Jamshid Mazaheri
- **A comprehensive legal challenge: Italy versus ICJ**  
Faraz shahlaei



**S. D. I. L.**

**The S.D. Institute of Law**  
Research & Study